



روایتی از شرح یک ماجرای هولناک در رمان آدم خواران

## جنون دسته‌جمعی

شاید برای شما هم پیش آمده باشد یک روز صبح که چشم باز کردید و طبق عادت همیشگی سری به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

زدید با واکنش‌های متعددی نسبت به یک موضوع اجتماعی یا سیاسی روبه‌رو شوید؛ واکنش‌هایی گاه بسیار عصبی و خشن، نسبت به یک شخص یا یک واقعه اجتماعی که ممکن است میزان نفرت و عصبیت موجود در فضا به شما هم منتقل شود و شما پیش از آگاهی کامل از قضیه و دانستن منشأ آن موضوع نسبت به آن حس نفرت و خشم پیدا کنید، حسی که حتی با دانستن اصل قضیه نیز درون شما پایدار باشد یا گاهی حتی بدون پیگیری اصل قضیه، شما نیز مثل بقیه شروع به ابراز نظرات مختلف و گاهی عصبی نسبت به آن ماجرا کنید. گویی شما درون چرخه‌ای به نام «چرخه انتقال خشم» قرار گرفته‌اید.

کتاب «آدم خواران» نوشته ژول تولی، شرح یک ماجرای هولناک و بهت‌آور است که در سال ۱۸۷۰ میلادی در دهکده اوتفای در جنوب غربی فرانسه در شهرستان دورونی اتفاق افتاده است.

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، فرانسه درگیر جنگ با پروس می‌شود. آن زمان ناپلئون سوم بین توده مردم طرفداران زیادی داشته و همه اقشار مردم داوطلب می‌شدند تا برای جنگ با پروس به خط مقدم بروند.

آن سال دورونی دچار خشکسالی بی‌سابقه‌ای شده و در کنار تمام مشکلات موجود باعث فشار بیش از حد بر مردم شده بود. ماجرا از جایی شروع می‌شود که آلن دو مونی، یکی از مسؤولان شورای روستا که بین مردم محبوبیت خوبی هم دارد و خود نیز با توجه به نقص جسمی برای شرکت در جنگ داوطلب شده، برای حضور در جشنی سه‌روزه بزرگداشت سالروز جمهوری اول، وارد روستای اوتفای می‌شود.

تمام اتفاقات کتاب در طول یک روز و در یک مکان رخ داده است.

«پشت محراب، مسیح روی صلیبش از حال رفته و موهای بلندش به پایین ریخته بود. گویی او را طوری آنجا گذاشته بودند که ببیند آن پایین انسان‌های وحشی در حال ارتکاب چه جنایتی هستند.»

نویسنده به خوبی توانسته هم فضای خود دهکده را توصیف کند، هم به‌طور دقیق بگوید هر اتفاقی در کدام نقطه دهکده و چگونه رخ داده است.

عواطف و احساسات شخصیت‌ها، چه آنها که مورد خشم و ظلم واقع شده‌اند، چه آنها که خود منشأ خشم و طغیانگر بوده‌اند، با قدرت توصیف و به خوبی به تصویر کشیده شده است. مخاطب کاملاً خود را در میانه داستان در آن فضای هولناک و دلهره‌آور می‌یابد



بعد باورش نمی‌شود که آن شخص خودش بوده و مدام با خود درگیر است که چطور توانسته آن رفتار را انجام دهد یا آن حرف را بزند.

داستان تمام می‌شود اما اثر آن تا مدت‌ها در روح و روان خواننده باقی خواهد ماند، به‌خصوص این سؤال که آیا ممکن است من هم روزی در اثر شدت عصبیت و جنون دست به کار مشابهی بزنم یا نه؟

در کل این رمان برای کسانی که روحیه حساسی دارند یا از کتاب‌های توصیفی لذت نمی‌برند، توصیه نمی‌شود. اما اگر جزو علاقه‌مندان به ژانر هیجانی و اکشن هستید و دوست دارید از بخش‌های تاریک تاریخ به‌خصوص وقایع جنگی باخبر شوید، حتماً از این کتاب هم لذت خواهید برد.

کتاب دیگر این نویسنده، مغازه خودکشی است اما به اندازه مغازه خودکشی به این کتاب توجه نشده است. در صورتی که داستان کتاب آدم خواران، از این جهت که یک داستان واقعی است و واقعا اتفاق افتاده و به همین دلیل خیلی خاص و منحصر به فرد است و حتماً طرفداران خاص خودش را هم پیدا خواهد کرد.

و سردی و خشونت موجود در آن فضا به شدت برایش محسوس و ملموس است و همین نکته باعث می‌شود از چگونگی جلورفتن داستان به خوبی مبهور شود.

روند پیشرفت کتاب و توصیفات موجود در آن کاملاً بجای صحیح هستند، هم خشم به خوبی توصیف شده، هم آن که مورد خشم واقع شده؛ به طوری که خواننده نمی‌تواند کتاب را حتی برای لحظه‌ای کنار بگذارد.

از جمله توصیفات به یادماندنی کتاب می‌توان به حس

گنگی و سردرگمی و پیریشانی بعد از واقعه، حس گیجی پس از فروکش کردن خشم و حسی که وقتی آدم از حالت جنون خارج می‌شود و باورش نمی‌شود این خودش بوده که برخی کارها را انجام داده یا یادش نمی‌آید چه بلایی بر سرش آمده، اشاره کرد.

پایان‌بندی کتاب به هیچ وجه کلیشه‌ای نیست و مخاطب می‌تواند کاملاً با آن همذات‌پنداری کند؛ خودش را در وضعیتی تصور کند که از شدت غلبه خشم، کاری غیرمعمول و غیرمعقول انجام داده ولی روزهای

شناسنامه مالکیت و برگ سبز سواری دنایلاس، مدل ۱۳۹۹، رنگ مشکی متالیک، شماره موتور 153H0013245، شماره شاسی LE280706 و شماره پلاک ۲۴۹۶-۲۴-ایران ۴۶ به نام اکرم‌السادات رضائی ماسوله مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پراید، مدل ۸۵، رنگ نقره‌ای، شماره موتور 1725347 و شماره شاسی S1412285959914 به نام بهنام شاداب شهرپوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند وکالت فروش خودرو ام‌وی‌ام ۳۱۵، مدل ۱۳۹۱، رنگ آبی، شماره موتور MVM477FJAA000947، شماره شاسی NATFBAMD5A1001123 و وکالت ۱۱۸۱۵ و مورخ ۹۷/۰۱/۱۶ به نام سمانه ثانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و برگ سبز سواری پژو ۱۶۰۰ آردی، رنگ یشمی روغنی، مدل ۱۳۸۳، شماره موتور 11783035088، شماره شاسی 83145797 و شماره پلاک ۵۸۱-۳۹-ایران ۴۶ به نام حسین دروی اشکیکی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پژو ۲۰۶، مدل ۱۳۹۵، رنگ سفید، شماره موتور 165A00059543، شماره شاسی NAAP03EE7GJ824384 به نام عطا عباسی در خانه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پراید SE۱۳۱، مدل ۱۳۹۹، به رنگ سفید روغنی، شماره انتظامی ایران ۶۷-۸۳۷۳۸، شماره موتور M13/6475678 و شماره شاسی NAS411100L3613875 به نام فرزانه ماهرانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.